مجلۀ علمی – تحقیقی تاج
Taj Academic and Research Journal

https://www.taj.edu.af/magazine/index.php
دوره اول، شمارۀ سوم، خزان ۱۴۰۴.

تاریخ دریافت : ۱۴۰۳/۱۲/۹
تاریخ پذیرش : ۱۴۰۴/۴/۱۰
تاریخ نشر : ۱۴۰۴/۷/۱

ISSN:2664-9144
DOI: http://doi.org/10.63616/taj.V.01.I.03.05

صلاحیت‌های مراجع قضایی در اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم در حقوق افغانستان و کانادا

علی جان فهیم[1]

چکیده

موضوع این مقاله بررسی صلاحیت‌های مراجع قضایی در اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم در حقوق افغانستان و کادانا بوده که بصورت مقایسه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. منظور از تدابیر احتیاطی آن است که مراجع قضایی (پولیس جنایی، سارنوالی و محکمه)، اطمینان حاصل نمایند که مظنون و متهم در دسترس آن‌ها قرار دارد و از سویی هم حقوق مظنون و متهم حفظ می‌گردد. این تدابیر شامل: آزادی موقت با یا بدون کفالت مالی، ضمانت احضار، تحت نظر بودن یا توقیف، می‌گردد.

هدف از تدوین این مقاله مقایسه، شناسایی نکات افتراق و اشتراک مربوط به صلاحیت‌های مراجع قضایی در اتخاذ ندابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم در نظام‌های قضایی دو کشور می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای بوده که به شیوه‌ای تحلیلی توصیفی استفاده شده است. پرسش اصلی مقاله این است که در نظام‌های قضایی افغانستان و کانادا راجع به صلاحیت‌های مراجع قضایی در اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم چه نقاط اشتراک و افتراق وجود دارد؟

یافته‌های اساسی مقاله این است که در نظام قضایی کانادا مأمور صلح که همان نقش پولیس جنایی یا سارنوال تحقیق را در نظام قضایی افغانستان بازی می‌کند، در زمینه برخی از تدابیر احتیاطی از جمله صدور قرار احضار، احضارنامه و تعهد صلاحیت دارد. ولی در خصوص برخی دیگر از تدابیر احتیاطی از جمله رعایت شرایط دستور آزادی یا بازداشت موقت متهم، قاضی صلح یا قاضی، صالح بوده و متهم و سارنوال حق اعتراض، موافقت در اعمال برخی از تصامیم یا عدم موافقت در پاره‌ای از تصامیم محکمه را دارند. سارنوال تحقیق در افغانستان صلاحیت بازداشت موقت را دارا است در حالی که در کانادا چنین صلاحیتی به سارنوال داده نشده است.

واژگان کلیدی: تدابیر احتیاطی، متهم، احضار، تعهد، توقیف

۱. معاون علمی مؤسسه تحصیلات عالی بامیکا و محصل مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم شناسی. alijan.fahim@gmail.com

مقدمه

چیزی که در نظام‌های عدلی نوین بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، حقوق مظنون، متهم و محکوم است. موضوعی که در نظام‌های عدلی سنتی و گذشته اهمیت چندانی نداشته است. در نظام‌های نوین، انسان بعنوان عامل جرم با ویژگی‌های که دارد (چه در بعد روانی و زیستی یا در زمینه اجتماعی)، برجستگی یافته و نگاه ساده انگارانه از انسان در پرتو پیشرفت‌های علوم انسانی دگرگونی پیدا کرده است. در عین حال نگاه‌های حقوق بشری و انسان‌گرایانه توجه بیشتری به حقوق انسان مظنون، متهم یا محکوم نموده است[1]. از همین رو، در هنگام کشف جرم و شناسایی عامل یا عاملان آن، تحقیق و تعقیب، صدور حکم و اجرای احکام جزایی، نهادهای عدلی و قضایی مسئولیت بیشتری پیدا کرده اند تا از یک‌طرف منافع جامعه حفظ شود. یعنی از محو ادله ارتکاب جرم جلوگیری به عمل آید، موجب موانع فرار مظنون یا متهم گردد، از تهدید قربانی مستقیم یا نا مستقیم جرم جلوگیری شود، همچنین از تهدید یا قتل شاهد یا شاهدان جرم ممانعت صورت گیرد.

از جانب دیگر، این قیودات علیه مظنون و متهم در حدی نباشد که حقوق این اشخاص در جهت منافع جامعه یکسره پایمال گردیده و پیش از شناسایی مجرمیت یا بی‌گناهی، آن‌ها دچار رنج و سختی شوند[2]. در نظام قضایی افغانستان هم نشانه‌های رویکرد سنتی و هم نشانه‌های رویکرد نوین قضایی دیده می‌شود. این نظام قضایی در برخی از زمینه‌ها از جمله اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم دارای اشکالاتی می‌باشد. اینکه امکان تمدید توقیف در جریان تحقیق به مدت‌های طولانی در اختیار مراجع قضایی قرار داده شده ولی سارنوال تحت هیچ‌گونه فشار نیست تا روند تحقیق را سرعت بخشد و نا تکمیل بودن تحقیق در یک مدت معین به معنی ناتوانی سارنوال تحقیق در نظر گرفته شود. یا اینکه در نظام قضایی افغانستان شرایط توقیف مظنون یا متهم با یک رویکرد سختگیرانه همراه نبوده و سارنوال و قاضی می‌توانند بر اساس سلیقه شخصی خود یا دریافت پول و رشوت از این تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم استفاده نمایند. بناءً این‌ها مسایلی اند که نیاز به تغییر و بهبود دارند. بهترین راه برای تغییر این است که، نظام قضایی افغانستان با نظام‌های دیگر قضایی مورد مقایسه و بازنگری قرار گیرد تا نقاط مثبت نظام‌های دیگر قضایی وارد نظام قضایی این کشور شده و شاهد تغییرات مثبت در این نظام قضایی باشیم.

تدابیر دسترسی به مظنون و متهم یا تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم به این هدف پی‌گیری می‌شوند که در هنگام تحقیق و تعقیب در زمینه جرم انجام شده، شخص مظنون یا متهم لازم است در دسترس سارنوالی و پولیس‌جنایی قرار داشته باشد. یا اینکه دست کم مظنون یا متهم زیر نظارت پولیس و سارنوالی بوده باشد تا هر زمان که لازم شد، پولیس و سارنوالی بتواند به بازجویی و توقیف او بپردازد. زیرا ممکن است، مظنون و متهم در هنگام بازپرسی چندین بار مورد بازجویی قرار بگیرد. اگر مظنون و متهم در اختیار یا زیر نظارت نهادهای عدلی نباشد، اولاً کار بازجویی و بازپرسی دچار سکتگی می‌شود. دوماً در صورتی‌که قرار تعقیب او صادر شود و در محکمه نیز محکوم به جزا شناخته شود، باید دستور محکمه اجراء شده و محکوم به مجازات گردد. لذا یک شخص یا مظنون و متهم فراری را نمی‌توان به بازجویی خواند و دستور محکمه نیز بالای او اجرایی شده

---

۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده۹

۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی، ماده۱۹

نمی‌تواند. همچنین خطر تهدید قربانی، شاهد، محو ادله جرم و...نیز وجود دارد. هرگاه سارنوالی و پولیس جنایی اقدامات دقیق و درستی را در این زمینه در نظر نگیرند، چالش‌های یاد شده به میان خواهند آمد.

بررسی تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم خود یک بحث نسبتاً جدید است که در بسیاری از منابع توجه کمتری روی آن صورت گفته است. مهم‌تر اینکه تدابیر احتیاطی موجود در نظام قضای افغانستان که یک کشور سنتی است با تدابیر احتیاطی موجود در نظام قضایی کانادا که یک کشور پیشرفته صنعتی است، مقایسه شده است. چنین تحقیقی شاید تا هنوز انجام نگرفته است. در نظام قضایی کانادا نقش‌های موجودند که در نظام قضایی افغانستان دیده نمی‌شوند. مثلاً صلاحیت‌های مامور صلح و قاضی صلح که در نظام قضایی این کشور موجود نیست. یا اختیاراتی که مردم در گرفتاری مجرم در حقوق کانادا دارند متفاوت اند نسبت به نقش مردم در گرفتاری مجرم در افغانستان.

این تحقیق از سه گفتار تشکیل گردیده است. تبیین مفاهیم و توضیح اصطلاحات در گفتار اول مورد بررسی قرار گرفته است. در گفتار دوم صلاحیت‌های مراجع قضایی در اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم در نظام قضایی کانادا بحث شده است. صلاحیت‌های مراجع قضایی در اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم در نظام قضایی افغانستان به مطالعه گرفته شده است.

گفتار اول: تبیین مفاهیم

مفاهیم عمده که در این تحقیق نیاز به تبیین دارند معرفی گردیده‌اند. این مفاهیم شامل: متهم[1] ، عدالت یا قاضی صلح[2]، قاضی[3]، مأمور صلح[4] ، قرار یا حکم[5]، احضار[6]، احضارنامه[7]، آزاد سازی[8]، گرفتاری[9]، بازداشت[10]، توقیف[11]، هستند که به بحث گرفته شده اند.

۱. متهم (accused): مطابق کدجزای کانادا (ماده ۴۹۳)، متهم شخصی است که یک مامور صلح (پولیس جنایی)، بموجب ماده (۴۹۷) این قانون هشدار حضور او را صادر کرده است (۱). و همچنین متهم شخصی است که به دلیل ارتکاب یک جرم دستگیر شده است (۲). مطابق حقوق افغانستان، متهم شخصی است که اتهام نامه علیه او از سوی سارنوالی ترتیب گردیده و جهت پی‌گیری و نظارت قضیه به سارنوال تعقیب سپرده شده است (بند۲، ماده ۳ قانون تشکیل و صلاحیت‌های سارنوالی ۱۳۹۲).

۲. قرار (warrant): اصطلاح قرار یا warrant و یا مجوز قانونی که در مواد زیادی از کدجزای کانادا به کار رفته است، به معنی دستور مراجع قضایی است. مطابق ماده ۹۷ ق.ا.جزایی ۱۳۹۳ افغانستان در نظام قضایی

1 accused
2 justice
3 judge
4 peace officer
5 warrant
6 summons
7 appearance notice
8 release
9 arrest
10 detained
11 custody

این کشور دو مرجع صدور قرار قضایی وجود دارد (محکمه و سارنوالی). ولی مطابق کدجزای کانادا در زمینه صدور قرار، مامور عمومی، مامور صلح و قاضی صلاحیت دارند (ماده ۴۸۷ بند۲).

۳. احضار (summons): در حقوق افغانستان مفاهیم جلب و احضار به کار گرفته شده‌اند. در جلب با مظنون و متهم برخورد ملایم‌تر صورت می‌گیرد و از آن‌ها خواسته می‌شود که خود شان در مراجع عدلی حضور یابند ولی در احضار مامور پولیس به مظنون یا متهم فرصت نمیدهد که خود شان حاضر شوند بلکه پولیس در احضار آنها نقش دارد (ماده ۹۴.ق.ا.ج.ا). در حقوق کانادا مطابق کدجزای آن کشور (ماد ۴۹۵ بند۱)، احضار سطحی‌ترین برخورد قضایی نسبت به متهم بوده که اصدار آن از صلاحیت مامور صلح می‌باشد.

۴. آزادسازی (release): آن‌گونه که در گذشته بیان گردید، در حقوق افغانستان سارنوالی و محکمه صلاحیت دارند تا متهمی را که دوسیه کیفری او در جریان است آزاد نمایند (بند۱، ماده۱۳ قانون ت.ص. سارنوالی ۱۳۹۲ و بند۱، ماده ۱۱۰ قانون.ا.ج.ا ۱۳۹۳). به متهم فرصت داده می‌شود که برای دفاع از خود تلاش ورزد. این چیزی است که به نفع حقوق متهم قانونگذاری شده است. در این حالت می‌توان از متهم تعهد شفاهی گرفت، یا تضمین مالی، اوراق بهادار و.... این امر در حقوق کانادا نیز مورد توجه قرار گرفته است و مامور صلح و محکمه صلاحیت دارند تا شخص را بر اساس یک تعهد، تضمین مالی، اوراق بهادار و شرایط دیگر آزاد سازد و زیر نظارت باشد ((criminal code, 501 (1)).

۵. گرفتاری (arrest): در حقوق افغانستان گرفتاری از وظایف پولیس به شمار می‌رود. در برخی از حالات، خود پولیس مطابق قانون صلاحیت گرفتاری دارد و در حالات دیگر پولیس مظنون یا متهم را به دستور سارنوالی یا محکمه گرفتار می‌نماید (بند۱، ماده ۱۳ قانون.ت.ص.سارنوالی). هرچند در حالات استثنایی (جرم مشهود)، گرفتاری مظنون توسط مردم نیز پذیرفته شده است. ولی در حقوق کانادا مطابق کدجزای آن کشور (مواد ۴۹۴، ۴۹۵، و...)، اشخاص عادی، مامور صلح، قاضی ایالتی و قاضی محکمه عالی ایالتی صلاحیت گرفتاری متهم را دارند. به نظر می‌رسد عمل گرفتاری اساساً توسط مامور صلح انجام می‌شود. این دستگیری توسط مأمور صلح دو گونه است اینکه بدون دستور گرفتاری، متهم گرفتار شود (حالت اول)، یا اینکه بر اساس دستور گرفتاری یا همان قرار گرفتاری توسط مرجع بالا متهم گرفتار شود (حالت دوم). گرفتاری معطوف به تأمین منافع جامعه است ولی به ضرر متهم تمام می‌شود زیرا متهم آزادی خود را از دست میدهد و در عین حال امکانات کم‌تری برای دفاع از خود دارد.

۶. بازداشت (detention): در منابع حقوقی پارسی اصطلاحات گرفتاری، بازداشت و توقیف به کار رفته‌اند که در برخی حالات اختلاطی در فهم موضوع می‌گردد. به ویژه معانی گرفتاری و بازداشت مفاهیم مترادف دانسته می‌شوند (ماده ۹۹ ق.ا.ج.۱۳۹۳ افغانستان). مفاهیم یاد شده در حقوق کانادا در کدجزای آن کشور نیز بیان گردیده است (مواد ۴۹۸، و...). به نظر می‌رسد میان گرفتاری و بازداشت از نظر اجرات حقوق کیفری تفاوت اساسی وجود دارد. منظور از گرفتاری عمل دستگیری است که حین گرفتاری شخص یا در چنگ آوردن متهم را بیان می‌کند. اما منظور از بازداشت، زمان در توقیف قراردادن متهم است. گرفتاری زمانی است که شخص آزادی خود را از دست میدهد و در چنگ پولیس قرار می‌گیرد ولی بازداشت حالتی است که چهارچوبه مکانی متهم برای سلب آزادی او معین می‌شود.

۷. توقیف (custody): در حقوق افغانستان یکی اصطلاح زیر نظر یا تحت نظر یا نظارت به کار رفته است. این در حالی است که مظنون در اختیار پولیس بوده و از او نظارت صورت می‌گیرد. در جرایم عمومی پولیس مطابق قانون حق ندارد مظنون را بیش از ۷۲ ساعت در نظارت‌خانه نگهداری نماید. دیگر اصطلاح توقیف است. توقیف از صلاحیت سارنوالی بوده و هنگامی که پرونده مظنون یا متهم در حوزه سارنوالی ارجاع می‌شود، مطابق قانون سارنوالی و محکمه صلاحیت دارد که شخص مظنون را در توقیف نگهدارد یا آن را آزاد سازد (مواد ۹۹، ۱۰۰ق.ا.ج ۱۳۹۳ افغانستان). مدت نگهداری مظنون یا متهم در توقیف‌خانه بر حسب جرم و اجرات سارنوالی متفاوت است. اصطلاح توقیف در حقوق کانادا نیز به کار رفته است. مطابق ماده (۵۰۳) کدجزای کانادا، متهم بعد از گرفتاری تا ۲۴ ساعت باید نزد قاضی صلح برده شود. اما ممکن است زمان توقیف بیشتر از این باشد.

گفتار دوم: صلاحیت مراجع قضایی در اتخاذ تدابیراحتیاطی علیه مظنون و متهم در حقوق جزای کانادا

در این گفتار صلاحیت مراجع قضایی کانادا در اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم به بحث گرفته شده‌اند. در این میان صلاحیت‌های مامور صلح، سارنوالی و محکمه در اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم مورد بررسی قرار گرفته اند.

طوری که بحث شد، در حقوق کانادا مانند سایر کشورها، ساختار نهاد عدلی مشابهی وجود دارد. هرچند در خصوص تفویض صلاحیت این مراجع یا اختیارات ساختاری تفاوت چشم‌گیری دیده می‌شود. در حقوق کانادا عنوان مأمور صلح که همان نقش پولیس جنایی در کشورهای مانند افغانستان را بازی می‌کند، وجود دارد و اختیاراتی در زمینه گرفتاری مظنون یا متهم و نظارت قضایی دارد. از دو نوع قاضی سخن گفته شده است (قاضی صلح و قاضی با صلاحیت‌تر). عنوان سارنوال هم در قانون یاد شده است.

الف) صلاحیت‌های مأمور صلح در اتخاذ تدابیر احتیاطی

آن‌گونه که در گفتگوهای نخستین یاد شد، بر اساس ماده ۴۹۴ بند۱ و ۲ کدجزای کانادا افراد عادی هم می‌توانند مظنون یا متهم را گرفتار نمایند ولی آن‌ها حق ندارند که شخص گرفتار شده را زیر نظارت قرار دهند. چنین امری باعث تقویت این روند در جامعه می‌گردد که بازداشت‌های خودسرانه افزایش یابد و هدف انتقام‌جویانه بجای تأمین عدالت و حفظ نظم عمومی دنبال شود[۱]. از همین‌رو، قانگذار کانادا به این امر بخوبی واقف بوده و اشخاص عادی را مکلف ساخته است که پس از گرفتاری، مظنون یا متهم را فوراً به مأمور صلح تحویل دهند (بند۳، ماده ۴۹۴). یکی از وظایف مهم مأمور صلح مطابق کدجزای کانادا گرفتاری و نظارت از متهم است. لذا مأمور صلح صلاحیت دارد که مظنون یا متهم را بدون اتخاذ تدابیر احتیاطی از سوی مراجع بالاتر یا بر اساس تدابیر احتیاطی گرفتار نماید. البته مبنای اقدام مأمور صلح خواست شخصی یا تصمیم فردی او نیست، بلکه این مأمور مکلف است تا معیارهای قانونی را رعایت نماید (بند۱ و ۲ ماده ۴۹۵).

عدم رعایت شرایط قانونی توسط مأمور صلح خود نقض قانون شمرده شده و مسئولیت جزایی را بر مأمور صلح تحمیل خواهد کرد (بند ۳ ماده ۴۹۵). اختیاراتی که مأمور صلح در راستای برخورد با مظنون یا متهم دارد

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده۹

این است که می‌تواند از اصل برخورد تدریجی استفاده نماید. منظور از اصل تدریجی این است که این مأمور، صلاحیت دارد تا متهم را بازداشت نکند و طبق ماده ۴۹۷ و ۴۹۸ کدجزای کانادا او را احضار نماید، احضارنامه صادر کند یا از متهم تعهد بگیرد. ممکن است در بسیاری از حالات قرار گرفتاری از سوی قاضی صلح صادر شود ولی مأمور صلح اختیار آزاد سازی شخص مظنون یا متهم را دارد (گرچه ماده ۴۹۹ به صلاحیت صدور دستور گرفتاری از سوی مأمور صلح اشاره نموده است که مورد تایید قاضی نیز قرار بگیرد) یا اینکه شخص را در توقیف نگهدارد. این هم از صلاحیت‌های قانونی مأمور صلح به شمار می‌رود، چه اینکه مأمور صلح شخص مظنون یا متهم را آزاد کند و احضار، احضارنامه صادر نماید و یا از مظنون یا متهم تعهد بگیرد یا اینکه او را بازداشت نموده و در توقیف قرار دهد و نزد قاضی صلح جهت برخورد قانونی با او ببرد. مبنای تصمیم مأمور صلح در زمینه آزادی یا توقیف او شرایطی قانونی است که در تبصره (۱.۱) ماده ۴۹۸ ذکر شده است. این شرایط عبارت اند از: شناسایی هویت فرد، ایمنی یا نگهداری مدارک جرمی، جلوگیری از ادامه یا تکرار جرم یا ارتکاب جرم دیگر، تضمین امنیت و مصئونیت قربانی جرم، شاهد و اشخاص دیگر، دسترسی به متهم جهت محاکمه او.

ب) صلاحیت سارنوالی در اتخاذ تدابیر احتیاطی

خاستگاه سارنوالی این است که از منافع عمومی و جامعه پشتوانی نماید. از همین‌رو، مسئولین آن، به‌ویژه سارنوال نیز مکلفیت دارد تا از نفع مردم و جامعه دفاع نماید. دو طرف دعاوی جزایی اساساً سارنوال و متهم است. پس هم سارنوال بعنوان نماینده سارنوالی در جریان رسیدگی و هم مظنون یا متهم در پشتوانی از نفع شخصی خود جانبدار هستند. زیرا سارنوال از منافع عمومی و متهم از نفع شخصی خود حمایت می‌نماید. این اختلاف در منافع دو جهت متضاد محاکمه را نمایان می‌سازد. البته شرط مهم این است که اصل ترافعی در سانوالی نیز حاکم شود. منظور از اصل ترافع یا نظام دادرسی اتهامی این است که به هردو جانب دعوا فرصت مجادله و استدلال داده شود تا هرکدام برای نفع مورد پشتوانی خود دلایل بیاورند و گفتگو نمایند (آشوری، ۱۳۹۷: ۵۸). ولی در بسیاری از نظام‌های قضایی از جمله افغانستان، سارنوالی از الگوی تفتیشی پیروی می‌نماید و به متهم فرصت کافی جهت بحث و گفتگو و آوردن ادله داده نمی‌شود.

ولی در حقوق کانادا اصل ترافعی بودن در سارنوالی رعایت شده و از نظام اتهامی پیروی گردیده است. از همین جهت بیشترین صلاحیت‌ها در زمینه اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم یا لغو آن از صلاحیت محکمه است. طوری که بند اول ماده ۵۱۵ کدجزای کانادا مقرر داشته است: قاضی صلح باید آزادی بی‌قید و شرط متهم از بازداشت را فراهم نماید، مگر اینکه سارنوال بتواند حضور او را به‌صورت مستدل در بازداشت توجیه کند، در این صورت متهم در بازداشت باقی خواهد ماند. همچنین بموجب تبصره بند۲، جزء۱ ماده ۵۱۵ کدجزای آن کشور: اصل بر این است که قاضی صلح دستور آزادی موقت بدون تعهد مالی را برای متهم بدهد. مگر اینکه سارنوال آزادی با تعهد مالی را بصورت مستدل توجیه نماید. این دو نکته یکی در مورد آزادی متهم از بازداشت و داشتن تعهد مالی یا آزادی بدون تعهد مالی مواردی اند که به اختیارات سارنوال در این ماده اشاره گردیده است. در اینجا سارنوال خود صلاحیت بازداشت یا وضع تعهد مالی را ندارد ولی با توجه به نفع جامعه می‌تواند باقی ماندن متهم را در بازداشت یا تعهد مالی را ضمن آزادی توجیه کند.

همچنین بموجب تبصره بند ۲، ماده ۵۲۴ کدجزای کانادا: هرگاه متهم شرایط احضار، احضارنامه، تعهد و آزادی موقت را نقض کرده و گرفتار شده یا بخاطر ارتکاب یک جرم قابل پی‌گیری دستگیر شده که در بردارنده احضار، احضارنامه، تعهد یا دستور آزادی موقت است، در اینجا نیز به سارنوال صلاحیت تلاش در راستای لغو آزادی متهم داده شده و سارنوال می‌تواند نزد قاضی استدلال کند که نباید متهم آزاد باشد. اما صلاحیت لغو آزادی را قاضی صلح یا قاضی دارد. مطابق بند۳ ماده ۵۲۴ در صورتی‌که قاضی صلح یا قاضی تشخیص دهد که متهم شرایط احضار، احضارنامه، تعهد یا دستور آزادی را نقض کرده است یا بر اساس دلایل قانع کننده، قاضی به این باور برسد که متهم جرم قابل تعقیب را انجام داده که مشمول احضار، احضارنامه، تعهد یا دستور آزادی می‌باشد تا در قید تدابیر احتیاطی یاد شده آزاد گردد، در این صورت قاضی به لغو قرارهای یاد شده اقدام می‌نماید. ولی بند۴ ماده فوق به متهم نیز فرصت داده است تا برای آزاد بودن از توقیف استدلال نماید و توجیه کند که باقی ماندن در توقیف ضروری نمی‌باشد.

بند ۱ و ۲ ماده ۵۰۲ کدجزای کانادا به توافق متهم و سارنوال روی تعهد سپرده شده از سوی متهم اشاره گردیده است. هرگاه طرفین روی تعهدی که مطابق مواد ۴۹۸، ۴۹۹ و ۵۰۳ از سوی متهم به مأمور صلح یا قاضی صلح سپرده می‌شود توافق کتبی داشته باشند یا بموجب بند۱ و ۲ ماده ۵۱۵ روی جایگزینی تعهد به موافقه برسند.

این اساسی‌ترین نکته‌های اند که اصل ترافعی بودن روند تحقیق و پی‌گیری را در سطح سارنوالی در نظام حقوقی کانادا نشان می‌دهد. ممکن است استدلال یکی از طرفین قضیه قوی‌تر باشد خواه استدلال سارنوال یا استدلال متهم. قاضی صلح یا قاضی بر مبنای قوی‌ترین استدلال تصمیم خواهد گرفت.

ج) صلاحیت محکمه در اتخاذ تدابیر احتیاطی

محکمه از بالاترین مراجع قضایی به حساب می‌آید و از همین جهت نسبت به پولیس جنایی و سارنوالی در زمینه اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم، اصلح دانسته می‌شود. مطابق ماده ۴۹۹ کدجزای کانادا قرار گرفتاری که مأمور صلح علیه مظنون یا متهم ترتیب کرده نیز باید قاضی آن را تایید نماید. بموجب تبصره۱ بند۱ ماده ۵۰۲ کدجزای کانادا حضور صوتی یا تصویری متهم در جلسه قضایی را نیز قاضی تایید کرده می‌تواند.

بر اساس بند۱ ماده ۵۰۳ کدجزای این کشور متهم بازداشت شده از سوی مأمور صلح باید پس از ۲۴ نزد قاضی صلح ارجاع گردد و اگر در این مدت قاضی صلح حاضر نبود به زودترین فرصت نزد او برده شود تا تصمیم قانونی در این زمینه اتخاذ گردد. هرگاه مطابق تبصره (۳.۱) بند۳ ماده ۵۰۳ و بند۱ ماده ۵۱۵ کدجزای کانادا سارنوال موافق به دستور آزادی از سوی قاضی صلح برای متهم باشد، می‌تواند متهم را با یا بدون شرط بصورت موقت آزاد نماید. یا اینکه قاضی می‌تواند قرار آزادی موقت متهم را بدون تعهد مالی صادر نماید مگر اینکه سارنوال تعهد مالی را توجیه نماید (بند۲، جزء۱ ماده ۵۱۵). بموجب بند۳ و ۴ ماده ۵۲۴ کدجزای کانادا قاضی اختیار دارد که از روند ترافعی میان سارنوال و متهم نظارت جدی داشته باشد تا تصمیم منصفانه را اتخاذ نماید.

مطابق بند ۱ ماده ۵۱۲ کدجزای کانادا قاضی صلاحیت دارد تا احضار، احضارنامه یا تعهدی را که قبلاً پذیرفته و متهم را بر اساس آن آزاد کرده است، با توجه به مصالح عمومی آن را نا دیده بگیرد و قرار بازداشت متهم را صادر کند یا اینکه مطابق تبصره ۱و ۲ ماده ۵۱۲ شرایط آزادی، احضار و احضارنامه از سوی متهم نقض

شده است، قاضی می‌تواند قرار بازداشت او را صادر کند. با توجه به صلاحیت‌های که در نظام کیفری کانادا به قاضی داده شده است، اختیارات قاضی در زمینه بازداشت یا دستور آزادی متهم برجسته بوده نقش استدلال متهم و سارنوال نیز مهم دانسته شده است.

گفتار سوم: مراجع اصدار قرار تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم در حقوق افغانستان

در این گفتار صلاحیت‌های مراجع قضایی افغانستان (پولیس جنایی، سارنوالی و محکمه)، در اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم به بررسی گرفته است.

الف) صلاحیت‌های پولیس جنایی در اتخاذ تدابیر احتیاطی

پولیس جنایی در اتخاذ بسیاری از تدابیر احتیاطی صلاحیت ندارد. اما در برخی از حالات، قانون برای گرفتاری مظنون و متهم به پولیس جنایی صلاحیت داده است. ماده (۹۷)، قانون اجرات جزایی ۱۳۹۳ افغانستان، حکم می‌کند: هرگاه شخصی بدون داشتن عذر موجه از قبول امر احضار سرپیچی نماید یا خوف اخفاء و فرار وی با قراین روشن مدلل باشد و آزادی وی باعث ضیاع آثار و علایم جرمی گردد و یا در حوزه مورد نظر محل سکونت معین نداشته باشد، امر گرفتاری وی حسب احوال از طرف سارنوالی یا محکمه صادر و یا پولیس طبق قانون به گرفتاری او اقدام می‌نماید. همچنین پولیس جنایی مطابق قانون در جرم مشهود صلاحیت گرفتاری دارد مشروط بر اینکه جرم مشهود جنحه و جنایت بوده، احتمال فرار و غایب شدن مظنون وجود داشته باشد (ماده ۸۱.ق.ا.ج.ا). همچنین مطابق بند۲۷، ماده چهارم ق.ا.ج.۱۳۹۳ نگهداری و تحت نظر داشتن موقت مظنون است از طرف پولیس در مرحله ی کشف جرم، در محلی که طبق حکم قانون، به آن اختصاص یافته است، صورت گرفته می‌تواند.

ب) صلاحیت‌های سارنوالی در اتخاذ تدابیر احتیاطی

یکی از صلاحیت‌های سارنوالی در اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم رهایی موقت است. جزء سیزدهم بند اول ماده (۱۳) قانون تشکیل و صلاحیت‌های سارنوالی (۱۳۹۲)مقرر داشته است: امر به رهایی متهم از توقیف به تضمین بالمال یا بدون آن یا اتخاذ تدابیر احتیاطی دیگر طبق احکام قانون، از اختیارات سارنوالی می‌باشد. یعنی سارنوالی می‌تواند مظنون یا متهم را به تشخیص خود بصورت مؤقت آزاد نماید. چنین آزادی ممکن است در بدل تضمین خاص باشد (ضمانت احضار، تعهدنامه، تضمین مالی و...)، یا بدون تضمین. منظور از رهایی با ضمانت احضار، ممکن است گرفتن تعهد شفاهی از مظنون باشد تا هر زمان که سارنوالی حضور او را مطالبه نماید، حاضر شود یا اینکه شخصی دیگر (معمولاً اقارب مظنون یا متهم) حضور او را تضمین نماید. « این قرار، در جرایم کوچک و کم اهمیت که مظنون هم از اعتبار و جایگاه اجتماعی قابل اعتماد برخوردار باشد، مانند آنکه تاجر معروف است یا دارای شغل و کسب با اعتبار در جامعه باشد، صادر می‌شود» (علامه، ۱۳۹۴: ۱۴۵). سارنوالی و محکمه با وجود دلایل اثبات با رعایت حالات مندرج بند سوم ماده (۹۹) ق.ا.ج.ا. می‌توانند به اساس تصمیم خود یا درخواست شخص تحت توقیف یا نماینده قانونی وی، امر رهایی مؤقت متهم را به کفالت بالمال یا بدون آن صادر نمایند (ماده ۱۰۵.ق.ا.ج.ا). به نظر می‌رسد منظور از رهایی بدون کفالت، ضمانت احضار است. به موجب ماده (۱۱۰) این قانون (بند۱)، هرگاه نزد... سارنوالی ثابت شود که متهم قادر به تادیه کفالت بالمال نمی‌باشد [در این صورت] از نزد وی ضمانت احضار اخذ می‌گردد. این ضمانت احضار اشخاص دیگری

هستند که مورد اعتماد جامعه و نهادهای عدلی باشد. اگر روی اعتماد نسبت به شخص ضامن تردید وجود داشته باشد، به شرطی می‌تواند به حیث ضامن پذیرفته شود که تعهد نماید در صورت عدم توانمندی احضار شخص تحت کفالت، وجه مطلوب ضمانت مالی مندرج ماده (۱۰۶) قانون اجراات جزایی ۱۳۹۳ افغانستان را می‌پردازد (ماده۱۱۰). در کنار این سارنوالی... تدابیر احتیاطی ذیل را نیز اتخاذ می‌تواند:

۱. اقامت در محل معینه،
۲. حاضرشدن در اوقات معینه، حسب احوال به دفتر پولیس، سارنوالی یا محکمه،
۳. اطلاع به پولیس از ترک محل تعیین شده و مدت آن.

سه مورد تدابیر احتیاطی یاد شده، مستقل نیستند؛ بلکه در کنار و ضمن تعهد پرداخت کفالت بالمال از سوی ضامن، در صورتی نا توانی از احضار مظنون یا متهم، اجرایی می‌شوند.

کفالت بالمال یا ضمانت مالی به معنی به عهده گرفتن پرداخت مال، یا تسلیم اسناد و اوراق بهار دار و قابل معامله در نهادهای عدلی است که به عوض تضمین مالی تهیه می‌گردد (ماده ۱۰۵ ق.ا.ج.ا). سارنوالی... با وجود دلایل اثبات با رعایت حالات مندرج ماده (۹۹)، این قانون می‌تواند به اساس تصمیم خود یا درخواست شخص تحت توقیف یا نماینده قانونی وی، امر رهایی مؤقت متهم را به کفالت بالمال با بدون آن صادر نمایند.

توقیف از شدیدترین تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم محسوب می‌گردد (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۳۴). ماده (۹) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد تأکید می‌نماید: آزادی اصل است و توقیف یک استثنا است و باید به‌عنوان آخرین راه چاره از آن استفاده شود.در مورد مرجع اتخاذ تدابیر امر توقیف در قوانین قبلی و نوین افغانستان اختلاف دیدگاه به مشاهده می‌رسد. به موجب قانون اجراات جزایی ۱۳۴۴ افغانستان (مواد ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶)، صدور دستور توقیف از اختیارات سارنوالی نبوده است. اما سارنوالی اختیار تشخیص موارد توقیف را دارد. لذا به اساس قانون یاد شده، هم در تصمیم ابتدایی توقیف و هم در دستور تمدید توقیف، سارنوال تحقیق مکلف است تا در این رابطه به محکمه پیشنهاد نماید. در حالی‌که قوانین نوین افغانستان از جمله قانون تشکیل و صلاحیت سارنوالی (۱۳۹۲) و قانون اجراات جزایی (۱۳۹۳) افغانستان، در رابطه با دستور توقیف، صلاحیت‌های سارنوالی را افزایش داده اند (دانش، ۱۴۰۱: ۷۹). مطابق (بند۱، ماده ۱۳)، قانون تشکیل و صلاحیت‌های سارنوالی: صدور امر احضار، یا گرفتاری، نظارت و توقیف مظنون یا متهم یا الغای آن، از اختیارات سارنوالی شمرده می‌شود (بند۶). همچنین قانون اجراات جزایی ۱۳۹۳ افغانستان (ماده۱۱۰)، مقرر داشته است: سارنوال می‌تواند بعد از تسلیمی مظنون در صورت موجویت دلایل مندرج فقره (۳) ماده (۹۹)، این قانون امر توقیف او را در جرم جنحه برای مدت (۷) روز و در جرم جنایت حسب احوال برای مدت (۱۵) روز صادر نماید.

ج) صلاحیت‌های محکمه در اتخاذ تدابیر احتیاطی

محکمه بالاترین مرجع قضایی به شمار می‌رود. این مرجع نسبت به سایر مراجع قضایی صلاحیت‌های بالاتری در زمینه اتخاذ تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم را دارد. یکی از این صلاحیت‌ها، تصمیم ممنوع‌الخروجی مظنون و متهم است. بند دوم ماده (۱۱۰)، قانون اجراات جزایی ۱۳۹۳ حکم می‌کند: «در صورتی‌که دلایل مؤجه مبنی بر خوف فرار مظنون یا متهم موجود باشد، محکمه می‌تواند، قرار ممنوع الخروج بودن وی را از کشور صادر نماید». در حالی‌که پولیس‌جنایی و سارنوالی صلاحیت اتخاذ تدابیر ممنوعیت خروجی

مظنون و متهم را ندارد. همچنین گرفتن ضمانت احضار مطابق بند۱، ماده (۱۱۰) قانون اجرات جزایی ۱۳۹۳، در صورتی‌که تشخیص شود مظنون یا متهم دارای کفالت مالی نمی‌باشد، محکمه صلاحیت دارد تا ضمانت احضار از او اخذ نماید. محکمه با وجود دلایل اثبات با رعایت حالات مندرج ماده (۹۹)، این قانون می‌توانند به اساس تصمیم خود یا درخواست شخص تحت توقیف یا نماینده قانونی وی، امر رهایی مؤقت متهم را به کفالت بالمال با بدون آن صادر کند.

به اساس قانون اجرات جزایی ۱۳۹۳ افغانستان وجه کفالت نقدی از طریق تحویل پول یا تسلیمی اسناد بهادار (اسناد قابل معامله)، و یا تضمین بانکی از طریق حساب سارنوالی یا محکمه در بانک صورت می‌گیرد. وجه کفالت مالی منقول در برابر رسید و تعیین مشخصات در گدام امانات محکمه یا سارنوالی نگهداری می‌شود. هرگاه وجه کفالت، وسایل نقلیه باشد، تضمین آن به اساس وثیقه شرعی از طریق محکمه یا اداره ترافیک مربوط صورت می‌گیرد (ماده۱۰۸.ق.ا.ج.ا).

هرچند در نظام قضایی افغانستان توقیف برای اولین‌بار هم از صلاحیت سارنوالی بوده و هم محکمه اختیار اتخاذ چنین تدبیری را دارد. ولی مرجع صادر کننده امر تمدید توقیف محکمه است. این نکته در قانون اجرات جزایی ۱۳۴۴ و هم در قانون اجرات جزایی ۱۳۹۳ مورد توافق بوده است.

موضوع مهمی که در قانون اجرات جزایی ۱۳۴۴ تصریح یافته این است که پس از پیشنهاد تقاضای توقیف مظنون یا متهم از سوی سارنوالی، قاضی دستور لازم را صادر می‌نماید و در صورت ضرورت می‌تواند اقوال سارنوال و متهم، هردو را استماع نماید (ماده ۱۰۶). شنیدن گفته‌های مظنون یا متهم و سارنوال از سوی محکمه، یک وضعیت پیشرفته را در نظام جزایی گذشته افغانستان نشان میدهد. این در محدوده ی خود زمینه ترافعی بودن را در مرحله تحقیق مورد تأکید قرارمیدهد (م.ج. بین المللی، ماده۱۵). روند مورد نظر این امکان را فراهم می‌نماید که سارنوال از صلاحیت خود سوء استفاده نکند. قانون اجرات جزایی ۱۳۹۳ روی موضوع شنیده شدند نظر مظنون یا متهم از یکسو و سارنوالی از جانب دیگر، این را وقتی پذیرفته است که پیشنهاد تمدید توقیف برای بار سوم و مرحله دوم از سوی سارنوالی به محکمه پیشنهاد گردد (ماده ۱۰۰.ق.ا.ج.ا).

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین مصادیق عمومی تدابیر احتیاطی علیه مظنون و متهم عبارت‌اند از: رهایی با تعهد شفاهی، رهایی با ضمانت احضار (اخذ کفیل)، تعهد مالی، پولی، اسناد (اوراق بهادار)، و در نهایت بازداشت. تدابیر یاد شده هم در حقوق افغانستان و هم در حقوق کانادا در نظر گرفته شده اند. در حقوق کانادا در فرایند رسیدگی، اصل بر این است که متهم آزاد گردد، مگر اینکه دلایلی منطقی برای نگهداری متهم در توقیفخانه وجود داشته باشد. تأکید بر آزادی متهم بعنوان یک اصل با قاعده بی‌گناهی متهم در هماهنگی می‌باشد. از دلایل آزادی مؤقت متهم این است که حقوق و آزادی‌های او در جریان رسیدگی حفظ گردد. زیرا روندرسیدگی مجازات نیست که با متهم شدن افراد، رنج‌دهی آنها آغاز شود. بلکه فرایند رسیدگی ابزار و راه رسیدن به حقیقت قضایی است. آغاز رنج‌دهی متهم در فرایند رسیدگی خود مجازات شمرده می‌شود و این در تناقض با اصل قانونی بودن جرم و جزا و اصل بی‌گناهی متهم قرار دارد. می‌توان گفت که در بازداشت بودن متهم با زندانی ساختن او شاید نه تنها که تفاوت ندارد بلکه ممکن است میزان رنج آوری بازداشت به دلیل منتظر بودن شخص بیشتر باشد.

اما بازداشت متهم یک استثنا بر اصل بی‌گناهی یا فرض برائت است. از دلایل مهمی بازداشت این است که آزادی متهم ممکن است منافع جامعه را آسیب بزند (محو ادله جرم، تکرار جرم، ارتکاب جرم دیگر یا فرار متهم و از دسترس خارج شدن او)؛ یا منافع اشخاص را متضرر بسازد (ارتکاب جرم علیه مجنی علیه و شاهد، تهدید آن‌ها). برای جلوگیری از چنین آسیب‌هایی ممکن است مراجع قضایی تصمیم به بازداشت متهم بگیرد. در حقوق افغانستان پولیس بموجب قانون در حالات خاص، سارنوالی و محکمه بر مبنای صلاحیت سازمانی اختیار بازداشت متهم را دارند.

در حقوق کانادا به‌موجب قانون، مأمور صلح هم صلاحیت گرفتاری و هم اختیار آزادی متهم را پیش از ارجاع به محکمه دارد. یعنی اینکه چه متهم از سوی اشخاص آنگونه که در قانون کانادا وضاحت یافته است، گرفتار شده باشد یا خود مأمور صلح او را گرفتار نموده است (اعم از اینکه با یا بدون اتخاذ تدابیر احتیاطی)، مأمور صلح صلاحیت دارد او را آزاد کند و آزادی او را در قید احضار، احضارنامه یا تعهد تنظیم نماید. اما در صورتی‌که متهم نزد قاضی جهت بازداشت ارجاع گردید، در این حالت مأمور صلح صلاحیت ندارد تا او را آزاد نماید. بر اساس حقوق کانادا در این مرحله اینکه متهم بطور مؤقت آزاد گردد یا در بازداشت نگهداری شود، از صلاحیت قاضی (اعم از قاضی صلح یا قاضی) است.

در حقوق کانادا به سارنوال نه صلاحیت بازداشت و نه صلاحیت رهایی متهم داده شده است. برخلاف آنچه در حقوق افغانستان پیش‌بینی شده که سارنوال هم صلاحیت آزادی موقت و هم صلاحیت بازداشت را دارد. آنگونه که در اصل مباحث بیان کردیم، در پرونده‌های کیفری، سارنوالی یک جانب قضیه و متهم جانب دیگر آن است. هرگاه صلاحیت بازداشت یا آزادی به سارنوال داده شود، احتمالاً یکجانبه عمل خواهد کرد و این درست نیست. زیرا تضاد منافع میان این دو بر قرار است. با این تحلیل ترتیبات حقوق کانادا در زمینه صلاحیت مراجع قضایی بهتر است نسبت به حقوق افغانستان.

در حقوق کانادا راجع به آزادی موقت متهم از توقیفخانه، محکمه صلاحیت دارد. ولی این صلاحیت هم بصورت ترافعی اعمال میگردد. یعنی سارنوال و متهم هردو یکی در جهت منفعت شخص و دیگری در راستای منفعت جامعه استدلال می‌نمایند. همان نظام اتهامی که دو طرف قضیه حق بیان و ارائه ادله را داشتند. نقش قاضی بعنوان یک داور بی‌طرف خواهد بود. قانون اجرات جزایی ۱۳۴۴ افغانستان راجع به ترافعی بودن روند تحقیق بیشتر مساعد بوده است در حالی که قانون جدید (۱۳۹۳)، از چنین ویژگی برخوردار نمی‌باشد. در نظام قضایی کانادا، قاضی صلح بیشتر نقش سارنوال را بازی می‌نماید. چنانچه قاضی صلح مظنون را پس از ۲۴ ساعت از مأمور صلح تحویل می‌گیرد و تحقیقات بیشتر روی دوسیه کیفری انجام میدهد. هم در حقوق کانادا و هم در حقوق افغانستان قاضی بیشترین صلاحیت را دارد. تایید جلب و احضار و تعهدمالی و غیرمالی یا رد دوباره آن‌ها از صلاحیت قاضی در نظام‌های یاد شده می‌باشد. همچنین در اتخاذ تصمیم توقیف یا تمدید آن و یا لغو آن قاضی بالاترین صلاحیت را در نظام قضایی افغانستان و کانادا میداشته باشد. شرکت در جلسه قضایی از راه دور (Telecommunication)، در نظام قضایی کانادا پذیرفته شده است، در حالی که چنین گزینه در نظام قضایی افغانستان موجود نیست.

پیشنهادات

صلاحیت‌های محاکم در هر دو نظام مورد مقایسه بالاتر است. ولی اختیارات اجرایی سارانوالی در برابر متهم در حقوق کادانا محدود گردیده است. در حالی‌که در نظام قضایی افغانستان، سارنوالی از صلاحیت‌های بالای اجرایی برخوردار است. بهتر آن است که اختیارات سارنوالی در نظام قضایی افغانستان علیه متهم محدود گردد. زیرا هم متهم و هم سارنوال هرکدام طرفین دعوا هستند. تقویت سارنوال علیه متهم، روند دعوا را بسوی بی‌عدالتی می‌کشاند. زمان توقیف و تمدید آن در قوانین افغانستان بسیار طولانی پیش‌بینی گردیده و این باید محدود شود و در عین حال سارنوال جهت تکمیل تحقیق نیز دچار محدودیت زمانی باشد تا تحقیقات مربوطه را در زمان محدود تکمیل نماید. شرایط توقیف مظنون و متهم سخت‌تر گردد تا مراجع قضایی از این صلاحیت خود سوء استفاده کرده نتواند. امکان اشتراک بصورت آنلاین نیز در قوانین پیش بینی گردد.

منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری، ج۱ تهران: سمت.
۲. آشوری، محمد (۱۳۸۹). آیین دادرسی کیفری، ج۲ تهران: سمت.
۳. علامه، غلام حیدر (۱۳۹۴). اصول محاکمات جزایی افغانستان؛کابل: ابن سینا.
۴. خالقی، علی (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری؛ تهران: شهردانش.
۵. دانش، حفیظ الله (۱۴۰۱). اصول محاکمات جزایی، ج۱؛ کابل: انتشارات سیرت.
۶. دانش، حفیظ الله (۱۴۰۱). اصول محاکمات جزایی، ج۲؛ کابل: انتشارات سیرت.
۷. ابدالی، مهرزاد (۱۳۸۵). رویه وآیین دادرسی مدنی؛ تهران: نیک اندیش.
۸. کدجزای کانادا (۱۹۸۵)، و اصلاحیه ۱۶ جنوری ۲۰۱۳
۹. قانون آیین دادرسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲)، و اصلاحیه ۱۳۹۴
۱۰. قانون اجراات جزایی افغانستان (۱۳۹۳). جریده رسمی.
۱۱. قانون اصول محاکمات جزایی (۱۳۴۴). جریده رسمی.
۱۲. قانون آیین دادرسی فرانسه (۱۳۸۸ (۲۰۰۸))، ترجمه عباس تدین.
۱۳. قانون تشکیل و صلاحیت‌های محاکم افغانستان (۱۳۷۰). جردیده رسمی.
۱۴. میثاق مدنی سیاسی سازمان ملل متحد، ۱۹۶۶.
۱۵. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۳۲۷). سازمان ملل متحد.
۱۶. اعلامیه حقوق بشر اسلامی (۱۳۶۹). قاهره.
۱۷. اساسنامه محکمه جزایی بین‌المللی (۲۰۰۲). روم.
18. Criminal Code of Canada (R.S.C., 1985, c. C-46)

Judiciary Authorities' Powers to Take Precautionary Measures Against Suspects and Accused in Afghan and Canadian Law

Ali Jan Fahim[1]

Abstract

The subject of this article is the examination of the jurisdiction of judicial authorities in issuing criminal preventive measures and judicial supervision in the legal systems of Afghanistan and Canada, analyzed comparatively. The aim of this article is to identify key points related to the jurisdiction of judicial bodies in issuing criminal preventive orders and judicial supervision within the compared legal systems. The research method used in this article involves consulting the laws of the respective countries. For Canada, the country's Criminal Code has been utilized, which encompasses both substantive legal principles and procedural legal rules. In Afghanistan's legal system, laws such as the Criminal Procedure Code and the Law on the Structure and Jurisdiction of the Courts have been used. Some academic sources have also been referenced in this context.

The article's key findings indicate that in Canadian law, a "peace officer" — who plays a role similar to that of a judicial police officer or investigative prosecutor in Afghan law — has the authority to issue criminal preventive orders, including summonses and undertakings. However, when it comes to judicial supervision orders — such as enforcing the conditions of release or the temporary detention of the accused — the jurisdiction lies with a justice of the peace or a judge. In these cases, both the accused and the prosecutor have the right to object, agree with, or disagree with certain decisions of the court. In countries like Afghanistan and Iran, the prosecutor or investigative authority has the power to issue temporary detention orders, whereas in Canada, such authority is not granted to the prosecutor.

Key Words: measure, summons, detention, temporary detention, accused, court.

1. Academic Vice President of Bamika Institute of Higher Education and PhD student in Criminal Law and Criminolog alijan.fahim@gmail.com